

تجربه جهانی پیوند تولید و تجارت و آثار مثبت آن

دکتر مهدی فتح اله، رییس موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

سایت پاد

در راستای اجرای ماده ۵۳ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور، وزارتخانه های بازرگانی و صنایع و معادن سال گذشته در یکدیگر ادغام شدند. با گذشت حدود یکسال از تشکیل وزارتخانه جدید صنعت، معدن و تجارت که حدود ۴۰ درصد از حجم تولید ناخالص داخلی کشور را مدیریت، برنامه ریزی و ساماندهی می کند برخی سوالات اساسی قابل طرح است. نخست آنکه رویکرد و نگاه به ادغام این دو وزارتخانه صحیح بوده است؟ دوم آنکه تجربیات سایر کشورها موید این اقدام است؟ سوم آنکه این ادغام دارای آثار مثبت عملی بوده است؟ و چهارم آنکه آیا تولید و تجارت در اقتصاد ایران همسو شده اند یا تولید قربانی تجارت شده است؟

بر اساس سند چشم انداز ۲۰ ساله در افق ۱۴۰۴ ایران کشوری دارای جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تاکید بر رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه است. همچنین شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، ارتقای کارآیی بنگاه های اقتصادی و افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی نیز از جمله اهداف سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. شایان ذکر است در بند (ج) سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست گذاری، هدایت و نظارت، توانمندسازی بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین المللی و آماده سازی بنگاه های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرآیند تدریجی و هدفمند تاکید شده است.

دورنمای ایران بر اساس اسناد بالادستی همگی بر ضرورت توجه به رویکرد برون نگر در اقتصاد ایران بدلالی همچون «رشد اقتصاد ملی و بهره وری»، «کاهش وابستگی به نفت»، «افزایش قدرت رقابت پذیری بنگاه های تولیدی»، «آماده سازی و حمایت از بنگاه های داخلی جهت مواجهه با قواعد تجارت جهانی»، «حفظ و گسترش بازارهای صادراتی و افزایش سهم در بازارهای جهانی»، «افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دارای ارزش افزوده بالا» و «ظرفیت سازی در حوزه تولید و بازرگانی با هدف ایجاد اشتغال پایدار» صحه می گذارد.

براین اساس با توجه به آنکه در دنیای امروز تولید سرچشمه تجارت و تجارت محرک تولید می باشد، ایجاد پیوند و همسویی بین تولید و تجارت در اقتصاد ایران برای دستیابی به بازارهای جهانی امری ضروری است. به عبارت دیگر رویکرد اصلی در تشکیل وزارت صنعت، معدن و تجارت، سیاست گذاری، هدایت و حمایت از توسعه زیرساخت ها و ظرفیت های صنعتی، معدنی و بازرگانی برای تولید کالاها و خدمات با ارزش افزوده بالا، رقابت پذیر و صادرات محور به منظور ارتقای جایگاه رقابتی ایران در تجارت بین الملل است تا ضمن تمرکز بر تولیدات رقابتی بتوان هدف توسعه صادرات و افزایش سهم از بازارهای بین المللی را دنبال کرد.

از سوی دیگر بررسی کشورهای موفق دنیا (که حرکت‌های جهشی را تجربه کرده‌اند) نشان می‌دهد که تجربه رشد‌های بالا و مداوم اقتصادی توأم با رشد تجارت بوده است. نمونه بارز این موضوع کشورهای بزرگ (برزیل، روسیه، هند و چین) است که براساس اطلاعات موجود با تداوم نرخ رشد اقتصادی بالا در طول یک دهه توانسته‌اند سهم خود از تولید جهانی را از ۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به بالای ۱۵.۴ درصد در سال ۲۰۱۰ برسانند. این در حالی است که حجم تجارت این کشورها در این دوره زمانی از ۶.۱ درصد به ۱۲.۷ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، دو برابر شدن سهم تولید جهانی با دو برابر شدن سهم تجارت در این دوره همراه بوده است. نکته مهم در این خصوص، حاکمیت راهبردی برون‌نگر مبتنی بر شکل‌گیری و تقویت فرآیندهای تولیدی به‌منظور حضور فعال در عرصه اقتصاد بین‌الملل است. در این راستا به‌منظور استفاده از ظرفیتهای ملی، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، همسوسازی و انسجام در سیاستهای تولیدی و تجاری، تولید محصولات صادراتی، بیشتر کشورهای موفق به یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری و هدایت و حمایت فعالیتهای تولیدی-تجاری اقدام کرده‌اند. کشورهای ترکیه، مالزی و هند از جمله نمونه‌های بارز این کشورها قلمداد می‌شوند که بدون تردید بخشی از موفقیت آنها در رشد و توسعه اقتصادی که با محوریت توسعه تجارت صورت گرفته است، نشأت گرفته از مدیریت واحد تولید (صنعتی) و تجارت در قالب یک وزارتخانه می‌باشد. در کشور ترکیه وزارت صنایع و تجارت دارای مأموریت افزایش قدرت رقابت صنایع و گسترش بازرگانی از طریق وظایفی همچون برنامه‌ریزی گسترش بخش صنعت و فناوری، ایجاد مناطق و شهرک‌های صنعتی، صدور شناسنامه صنایع و تولید اطلاعات بخش صنعت، تدوین و نظارت بر استانداردها، ایجاد آزمایشگاه‌ها و مراکز کنترل کیفیت، حمایت از صنایع کوچک و متوسط و ... است.

وزارتخانه صنایع و بازرگانی بین‌الملل در کشور مالزی دارای مأموریت تعیین استراتژی و ارتقای جایگاه رقابتی این کشور در تجارت بین‌الملل از طریق تولید کالا و خدمات با ارزش افزوده بالا و توسعه فعالیتهای صنعتی در راستای ارتقای رشد اقتصادی از طریق اجرای وظایفی همچون برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای سیاستهای توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی، تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ارتقای صادرات محصولات تولیدی و خدماتی مالزی، به کمک تقویت ارتباطات و مشارکتهای دو جانبه و منطقه‌ای و ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری ملی در بخش‌های تولیدی می‌باشد.

مروری بر تجربیات این کشورها حاکی از آن است که هر یک از این کشورها برای افزایش درآمدها و رشد اقتصادی خود به دنبال اتصال به اقتصاد جهانی می‌باشند. در این راستا گزارشهای بین‌المللی به‌وضوح نشان-دهنده رشد و توسعه کشورهای یاد شده در دهه‌های اخیر و نیز در آینده است. شایان ذکر است کشورهای مذکور به‌منظور ارتقای سطح تجارت جهانی خود، توسعه ارتباطات و تعاملات اقتصادی و تجاری در سطح منطقه و محیط بین‌الملل را با جدیت هر چه بیشتر در دستور کار ملی قرار داده‌اند.

بر این اساس می‌توان اظهار کرد که ادغام حوزه تولید و تجارت امکان تدوین استراتژی‌های حوزه تولید و تجارت با رویکردهای تولیدات صادرات‌گرا، افزایش صادرات و ... را فراهم کرده است. همچنین با تشکیل

وزارتخانه جدید امکان برنامه‌ریزی یکپارچه برای بخش‌های صنعت، معدن و تجارت فراهم شده که نتیجه این امر برنامه‌ریزی حذف تناقضات، چالش‌ها و موازی‌کاری‌ها در حوزه تولید و تجارت می‌باشد. از دیگر آثار مثبت ادغام نیز می‌توان به ایجاد یکپارچگی در امر برنامه‌ریزی، امکان مدیریت و اعمال سیاست‌های حاکمیتی با نگاه واحد اشاره کرد.

پیوند تولید و تجارت سبب روان‌تر و آسان‌تر شدن مدیریت واردات می‌شود بطوریکه وجود مدیریت واحد در حوزه تولید و تجارت و همچنین وجود سازمان توسعه استاندارد صنعتی به‌عنوان زیرمجموعه وزارتخانه جدید (متولی استانداردسازی به‌عنوان یکی از ابزارهای مدیریت واردات) نقش مهمی در پیشبرد این سیاست دارند.

همچنین ایجاد وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت امکان مدیریت سیاست‌های هدایتی-حمایتی در فرآیند زنجیره را فراهم می‌کند. بطوریکه با در نظر گرفتن فرآیند سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات به‌عنوان زنجیره یک فعالیت اقتصادی، ادغام حوزه تولید و تجارت، امکان مدیریت سیاست‌های هدایتی-حمایتی در طول زنجیره را بصورت منطقی فراهم کرده است.

ایجاد مدیریت یکپارچه در حوزه تولید و تجارت نیز امکان توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز را بر مبنای ارتباط منطقی بین پتانسیل‌های تولیدی-تجاری هر استان میسر خواهد کرد.

پیوند تولید و تجارت بدلیل سهم حدود ۴۰ درصدی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تولید ناخالص داخلی کشور، امکان برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و مدیریت بهبود فضای کسب و کار (بدلیل رفع بسیاری مشکلات و چالش‌ها) را فراهم خواهد کرد.

در اقتصاد پیشرفته و بهم پیوسته کنونی رقابت حد و مرزی نمی‌شناسد، به‌این دلیل تولیدات کشورها باید مبتنی بر مزیت‌های رقابتی بوده و قابلیت درهم شکستن مرزهای بین‌المللی را داشته باشد. براین اساس است که تولید سرچشمه تجارت و تجارت محرک تولید نامیده می‌شود. در چنین فضایی از طریق تدوین استراتژی‌ها و اولویت‌های حوزه تولید و تجارت باید پیوندی ناگسستنی بین آنها برقرار کرد. به‌عبارت دیگر تولیدات باید رویکرد صادراتی داشته باشند و تجارت نیز در خدمت تولیدات باشند. لذا در چنین فضایی نمی‌توان صحبت از قربانی شدن تولید در مقابل تجارت کرد چراکه هدف از این پیوند رفع تعارضات و حضور در بازارهای جهانی است.